

فکر  
پیش بہ تالاج رتہ

احمد حیدر



اشارات کلام

|                      |                                        |
|----------------------|----------------------------------------|
| سرشناسه:             | حیدری، احمد، ۱۳۸۰                      |
| عنوان و نام پدیدآور: | فدک؛ میراث به تارا - رقص احمد حیدری    |
| مشخصات نشر:          | قم: انتشارات اکرام، ۱۳۹۵.              |
| مشخصات ظاهری:        | ۹۲ ص:، ۹/۵ × ۱۹/۵ س                    |
| شابک:                | ISBN: 978-600-6266-48-0                |
| بها:                 | ۴۰،۰۰۰ ریال.                           |
| وضعیت فهرست‌نویسی:   | فیا.                                   |
| یادداشت:             | کتابنامه: ص. [۸۹] - ۹۲؛ همچنین بصورت   |
| یادداشت:             | چاپ اول.                               |
| موضوع:               | فاطمه زهرا (ع)، ۸۰ قبل از هجرت - ۱۱ ق. |
| موضوع:               | فدک (عربستان سعودی)                    |
| رده‌بندی کنگره:      | ۴۱۳۹۵ ف ۹ ح ۲ / ۲۷ BP                  |
| رده‌بندی دیوپی:      | ۲۹۷/۹۷۳                                |
| شماره کتابشناسی:     |                                        |



انتشارات اکرام

### فدک: میراث به نروج رفته

|           |                   |
|-----------|-------------------|
| مؤلف:     | احمد یزدری        |
| گرافیست:  | علی کسریان        |
| ناشر:     | انتشارات اکرام    |
| نوبت چاپ: | اول               |
| چاپ:      | نگین              |
| شمارگان:  | ۱۰،۰۰۰ نسخه       |
| بها:      | ۴۰۰۰ تومان        |
| شابک:     | ۹۷۸-۶۰۰-۶۲۶۶-۴۸-۰ |

نشانی: قم، خیابان صفائییه، کوچه ۲۴ (کوچه ممتاز)، پلاک ۶۵، فروشگاه انتشارات اکرام

تلفکس: ۳۷۷۳۱۲۶۳

تلفن: ۳۷۷۳۷۱۰۴

#### ■ دفتر مرکزی:

■ قم، خیابان معلم، معلم ۱۰، فرعی اول سمت راست، پلاک ۲۱.

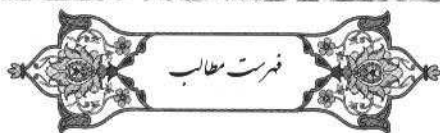
■ تلفن: ۳۷۷۳۷۷۹۲ (۰۲۵)

■ همراه: ۹۹۲۹ ۱۵۱ ۰۹۱۳

■ صندوق پستی: ۱۱۴۹-۳۷۱۳۵

■ وبسایت: [www.ekrampub.ir](http://www.ekrampub.ir)





۷..... پیش گفت

۱۰..... طبع کرم

فصل اول: بخشیدن پیامبر فدک را به دخترش (موهوبه بودن

فدک) ۱۷/

فصل دوم: بخشیدن پیامبر فدک را برای انکار ۲۱/

۱. زهرا فدک را می طلبد، اما پیامبر نمی دهد! ۲۲

۲. سوره کشف مکی است و جریان فدک مدنی! ۲۴

۳. فدک از اموال عمومی بود نه اموال پیامبر! ۲۴

۴. تصرف رسول خدا دلیل بر بخشیده نشدن فدک! ۲۷

۵. پیامبر بخشید، ولی پذیرفتن فاطمه معلوم نیست! ۲۹

۶. اگر پذیرفته و متصرف بود، خلیفه باید مانع تصرف

می شد! .....

دلایل متصرف بودن زهرا (علیها السلام): ۳۱

الف. تصریح امیر مؤمنان علی (علیه السلام) در نامه به ابن حنیف ۳۱

ب. روایات وارده در منع خلیفه از ادامه تصرف زهرا (علیها السلام) ۳۱

۷. اگر فاطمه در فدک متصرف بود، همه خبر داشتند! ۳۲

۸. اگر هبه بوده، چرا به این عنوان تقاضا نشده است؟ ۳۷

شاهد خواستن دلیل است که ادعای هبه بوده است: ۳۹..

### فصل سوم: تلاش نافرجام دیگر/۴۱

شاهد خواستن از زهرا علیها السلام ورد شهود ظلم بود یا نه؟ ۴۲.....

جواب ابن ابی الحدید و ..... ۴۵.....

مگر ابوبکر در این واقعه جزیر اساس علم خود حکم کرد؟ ۴۷..

علت واقعی ردّ شهود ..... ۴۹.....

### فصل چهارم: نکته‌های تکمیلی/۵۱

۱. فاطمه فدک را اول به عنوان نحله طلب کرد یا ارث؟ ۵۱..

۲. یاور شنیدن برای ابوبکر در شنیدن خبر «إِنَّا مَعَاشِرٌ...» ۵۳.

۳. اصناف شدن اجماع بر قبول روایت ابی بکر..... ۵۶.....

۴. چرا باام و فدک را با آن همه ارزشمندی به فاطمه بخشید؟

[تدبیر پیامبر] ..... ۶۵.....

۵. اگر علی حکم ابوبکر را قبل نداشته، چرا بعد از خلافت آن

را برنگرداند؟ ..... ۶۷.....

۶. موارد نزاع فاطمه با ابی بکر چه مواردی بوده است؟ ۷۰.....

فصل پنجم: اصل نزاع «ثقلین» و مرجعیت اهل بیت علیهم السلام / ۷۳

اختلاف در فهم ادعا و کلام حضرت زهرا علیها السلام ..... ۷۶.....

مورد دیگری از اختلاف فهم ادعا و کلام حضرت زهرا علیها السلام ..... ۷۷.....

معناهای احتمالی «إِنَّا مَعَاشِرٌ...» ..... ۷۸.....

مروری بر خطبه‌های حضرت از این زاویه: ..... ۸۱.....

منابع و مآخذ ..... ۸۹.....





بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

### پیشگفتار

خداوند با نزول آیه ﴿آتِ ذَا الْقُرْبَىٰ حَقَّهُ﴾<sup>(۱)</sup> تأکید بر ادای حق خویشاوندان کرده است و مراد از «ذا القربی» همان‌هایی هستند که بر آیه مودّت به آنها اشاره شده است.<sup>(۲)</sup> پیامبر هم بر طبق فرمان خداوند فدک را به فاطمه علیها السلام بخشید؛ زیرا طبق مستندات شیعه و سنی، فدک از اموال مخصوص پیامبر بوده و احدی از مسلمانان در آن سهمی نداشتند.

ابن منظور می‌نویسد:

چیزی که بدون جنگ و پیکار از اموال کفار به دست آید «فیء» است.<sup>(۳)</sup>

و فدک هم بدون جنگ به دست پیامبر آمده و از فیء به شمار می‌رود.

---

۱. سوره اسراء، آیه ۲۶.

۲. سوره شوری، آیه ۲۳.

۳. لسان العرب، ج ۱۰، ص ۳۶۱، ماده (ف، ی، ء).

بسیاری از مفسران اهل سنت در ذیل آیه ﴿وَمَا أَفَاءَ اللَّهِ عَلَى رَسُولِهِ مِنْهُمْ فَمَا أَوْجَفْتُمْ عَلَيْهِ مِنْ خَيْلٍ وَلَا رِكَابٍ وَلَكِنَّ اللَّهَ يُسَلِّطُ رُسُلَهُ عَلَى مَنْ يَشَاءُ وَاللَّهُ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ﴾<sup>(۱)</sup> درباره فدک بحث کرده‌اند.

طبری در ذیل آیه نقل کرده: فدک با مصالحه مردمش و بدون جنگ به تصرف پیامبر ﷺ در آمده و خاص او بوده و هیچ یک از مسلمانان در آن سهمی نداشته‌اند.<sup>(۲)</sup>

سیوطی هم روایت آورده است که: پیامبر ﷺ با اهل مدینه و روستاهای اطراف مصالحه نمود.<sup>(۳)</sup>

خزاعی می‌نویسد: این آیه در مورد فدک نازل شده و همه روستاهای دارای شان بدون جنگ در دست پیامبر ﷺ قرار گرفت.<sup>(۴)</sup>

قطع نظر از روایات، قرآن «فیء» را حق ذی القربی می‌داند.<sup>(۵)</sup>

چنانکه بیان شد پیامبر ﷺ بعد از نزول آیه ﴿وَأَتِذَا الْقُرْآنُ فَحَقُّهُ﴾ فدک را به دخترش فاطمه علیها السلام بخشید.

مؤلف محترم در این مقال نه در مقام بررسی علمی علم‌هایی است که بر این بانوی نمونه اسلام رفته، بلکه در صدد ماجرایی گرفته شدن فدک از زهرای اطهر علیها السلام پرداخته

۱. سوره حشر، آیه ۶.

۲. جامع البیان، ج ۱۴، ص ۳۸.

۳. الدر المنثور، ج ۸، ص ۹۹.

۴. تفسیر فخر رازی، ج ۲۹، ص ۲۸۵.

۵. سوره حشر، آیه ۶.



و اثبات کند که فدک نحله رسول خدا به دخترش و در تصرف او بوده و خلیفه او را از ادامه تصرف منع کرده و بر خلاف موازین از وی بر ملکیت ثابتش شاهد طلبیده و شاهدانش را رد کرده و او مجبور شده فدک را به عنوان ارث بطلبد و خلیفه هم با نقل کلامی که مدعی بوده از پیامبر شنیده، ارث را از پیامبران منتفی شمرده است

مؤلف در صدد است از لایه زیرین و اصلی این نزاع پرده بردارد و نشان دهد اصل نزاع بر مرجعیت ثقلین بوده که در حدیث متواتر رسول خدا بدان تصریح گردیده و خلیفه انکار نموده است و نشان دهد که در طول این قرن‌ها اصل نزاع فراموش نشده و ظاهراً و حواشی غیر مهم آن پرداخته گردیده است.

نویسنده در صدد پاسخ به سؤالاتی برآمده است که برخی از آنها عبارتند از:  
آیا واقعاً فدک از جانب پدر به زهرا علیها السلام بخشیده شده است؟

آیا حضرت در آن متصرف بوده؟  
آیا خلیفه! ملک او را گرفته و برای اثبات ملکیت مشخص و قطعی، مدرک طلب کرده؟  
آیا وقتی شاهدان به ناحق رد شدند، مجبور شده آن را عنوان ارث بطلبد؟

آیا برای این که از این جهت هم نتواند راه به جایی ببرد، حدیثی از زبان پیامبر جعل کرده و به استناد آن، نصّ قرآن را کنار زده‌اند؟





و نزاع در اصل برفدک بوده یا بر مرجعیت ثقلین؟ و ... امید که این تحقیق مختصر در راستای ادای حق واجب آن بانوی گرانقدر بوده و معتقدان و محبان پیامبر و دردانه اش را متنبه گردانده و به راه کسب رضای او سوق دهد.

## طلوع کلام

رسول الله ﷺ و عترت پاکش برترین بندگان خدا بودند و در این زمره زهرای اطهر علیها السلام از تابندگی و ویژگی خاصی برخوردار بود و همه مسلمانان در زمان حیات پیامبر می دانستند که «زهرای اطهر» دردانه و نور چشم پدر و همسرش امیر مؤمنان علیه السلام، برادر و مهمترین یاور او و فرزندان اش حسن و حسین علیهما السلام دوری خانه اویند.

این دردانه و محبوبه پیامبر و خانواده اش بلافاصله بعد از رحلت پیامبر مورد قهقهه و مری و جفا قرار گرفتند و به گونه ای با آنان رفتار شد که مصیبت را بر او باریدن گرفت و آن وجود نازنین را به فاصله حداکثر شش ماه بعد از پیامبر از پا درآورد و به پدر ملحق نمود.<sup>(۱)</sup>

از آنجا که طرف مقابل بانوی بزرگ اسلام که بانوی بودند

۱. در مورد روز وفات زهرای مرضیه علیها السلام اقوال مختلف است. ۱۳ ربیع الثانی، ۳ جمادی الآخر (که قول مشهور نزد شیعه و روایت شده از امام صادق علیه السلام می باشد)، ۲۰ جمادی الآخر، ۲۱ رجب، ۳ رمضان، که بنا بر آخرین نظر حداکثر ایشان شش ماه بعد از پدر زندگی کرده است. اعیان الشیعة، ج ۱، ص ۳۱۹.



که بعد از پدر بر مسند خلافت او تکیه زدند و قدرت را به دست گرفتند، طبیعی بود که آنها و بعد هم پیروانشان در لاپوشانی ستم‌هایی که بر او رفته و در تحریف واقعه‌های اتفاق افتاده، تلاش وسیعی به خرج دادند و تا حد زیادی توانستند ابراهیم را بر آنچه اتفاق افتاده بود، سایه‌انداز گردانند.

دوستان و محبتان بانو نیز به جای تلاش در زدودن و برگرفتن نقاب ابهام از قضایا و بیان آنچه اتفاق افتاده و به بهرین وجه گویای مظلومیت بانو و ستمگری مخالفانش بود، مسائل حاشیه‌ای رو آوردند و به اثبات مسائلی همت کردند که نظر اهمیت در درجه دوم یا چندم، و اثبات آن هم تا حدی مشکل بود.

در قرون گذشته نیز این روند معیوب ادامه داشت و گر چه گهگاه افرادی به کسب اسرار وقایع اتفاق افتاده و نشان دادن عظمت مظلومیت بانو و وقایع اصلی پرداختند که در این میان باید قدردان شخصیت علمی چون سید مرتضی علم الهدی و ابن ابی الحدید معتزلی بود ولی غالباً به اثبات ونفی همان مسائل حاشیه‌ای و درجه دوم پرداختند.

متأسفانه در دهه اخیر نیز تلاش برای اثبات ونفی مسائل حاشیه‌ای و فرعی وجه همت مخالفان و موافقان بانو شد و مظلومت اصلی و غیر قابل انکار او به محاق فراموشی رفت. مسئله کنار زدن همسرش علی علیه السلام از خلافت با این که ۷۰ روز پیش، پدرش در جمع بی‌شمار مسلمانان او را



معرفی کرده و برایش از همه به رضایت و اختیار و شوق بیعت گرفته بود؛ و نصب دیگری از جانب عده‌ای به خلافت بدون این که در این قضیه نمایندگی یا اختیاری داشته باشند، و با او و مردان خانواده‌اش که بزرگترین‌های اسلام بعد از پیامبر بودند، مشورت نمایند، اولین ستم عظیمی بود که بر این بانورفت و همچون تازیانه‌ای بر وجود زینیش فرود آمد.

هنوز پدر را دفن نکرده بودند که از طرف خلیفه! با قهر و شدت در خانه‌اش آمدند تا شوهرش و معدود مردان همراه او را به مسجد ببرند و به بیعت با خلیفه کودتایی وادارند. شوهرش که از بیعت با او و از درگیری و نزاع و ایجاد اختلاف در میان «تازه مسلمان شده» و «تازه رهبر از دست داده» فرار بود به گاشه خانه پناه برد و او سپر شد و به در خانه آمد تا شاید فرستگان خلیفه از حرمت او شرم کنند و بازگردند؛ ولی آنان مصمم به بردن زوری علی (علیه السلام)، او را با شدت به کنار زدند و... و شوهرش با کشان کشان به مسجد بردند تا بیعت بگیرند و بدین سان به همه نشان دادند که وقتی شیر مرد اسلام و بزرگترین مسلمان بعد از پیامبر، برای بیعت با خلیفه این گونه تحقیر و مکرر می‌شود و برای آوردن او جهت بیعت، حتی حرمت در برابر پیامبر هم مانع نمی‌شود، دیگران باید حساب کار خویش بکنند و از همراهی با کودتاگران دریغ نورزند.

هنوز عدد روزهای مصیبت از دست دادن پدر به ده نرسیده که فدک، که هدیه پدر به اوست، از جانب عمال



خلیفه تصاحب می شود و او مجبور می گردد برای گرفتن مال خود به مسجد رفته و دادخواهی کند و بر صداقت و راستگویی انکار شده اش، شاهد ارائه نماید؛ و دست آخر هم شاهدینش را نمی پذیرند و راستگویی اش را انکار می کنند و او مجبور می شود فدک را به عنوان ارث پدر مطالبه کند؛ زیرا فدک قبل از این که به او بخشیده شود، با مصالحه اهلش و بدون لشکرکشی و جنگ به دست آمده و به صریح قرآن خالصه رسول الله شده:

﴿وَمَا أَلَّا اللَّهُ عَلَى رَسُولِهِ مِنْهُمْ فَمَا أَوْجَفْتُمْ عَلَيْهِ مِنْ خَيْلٍ وَلَا نَجْدٍ﴾<sup>(۱)</sup>

«و آنچه را خدا از آنان [یهود] به رسولش بازگردانده (و بخشیده) چیزی است که شما برای به دست آوردن آن (نه زحمتی کشیدید) نه اسب و تاختید و نه شتری».

و حالا اگر هم هبه بودن آن را قبول نداشته باشند، ارث بودنش را که نمی توانند انکار کنند؛ اما حایفه! با انتساب سخنی به پیامبر، مدعی می شود که در ایشان شنیده پیامبران ارث نمی گذارند و آنچه از آنان برجای می ماند صدقه است و بدین صورت با صریح قرآن مخالفت می کنند و صریح قرآن را با سخنی که جز خلیفه کسی مدعی انتساب آن به پیامبر نیست، تخصیص می زنند و به عترتی که بارها پیامبر، آنان را به عنوان مبین و مفسر و در کنار قرآن ضامن تداوم هدایت امت معرفی کرده، برای



فهمیدن راست یا دروغ آن سخن و معنایش در صورت صحت، مراجعه نمی‌کنند و این همان تکرار مصیبت عظمایی است که در سقیفه انجام شد و هر کوه استواری با شنیدن آن از هم می‌پاشد.

در سقیفه علی (علیه السلام) را که برترین فرد عترت بود از مسند خلافت و امارت ظاهری کنار زدند و در مسجد پیامبر از مسند تبیین دین کنار گذاردند و این عظیم‌ترین جانکاه‌ترین مصیبتی بود که بر زهرا (علیها السلام) نازل شد و مصیبت مذکور هزاران چون فدک در قبال آن، به چشم آمدنی نبود. مصیبت ما همچنان پیوسته بر او فرود آمد تا بالاخره بعد از سه ماه یا چهار کثرتشش ماه، او را از پا درآورد و به پدر ملحق نمود.

ما در این مقام دست برداریم که یک بار دیگر با رجوع به تاریخ، این ظلم‌های جانکاه را یادآوری کنیم تا همه بدانند که مهم نیست آیا مهاجمان به خانه‌اش، در را به سینه جسمی او کوبیده‌اند یا نه؟

مهم نیست که آیا در میخ داشته یا نه؟  
مهم نیست که آیا او را در کوچه سیلی زده‌اند یا نه؟  
و مهم نیست که آیا...

در حالی که هیچ کس منکر نیست که نصب سقیفه بدون اطلاع و مشورت با او و مردان خانواده‌اش بوده است! و هیچ کس منکر نیست که شوهرش را به زور و اجبار و به نظر خودشان تحقیرآمیز به مسجد برده‌اند تا به زور از او بیعت بگیرند!



و هیچ کس منکر نیست که فدک را از او گرفته‌اند و او برای باز پس گیری‌اش به مسجد رفته و با خلیفه احتجاج نموده است!

و هیچ کس منکر نیست که او ادعا داشته که فدک را پیامبر به او بخشیده و آنان سخنش را نپذیرفته و از او براین دعوا شاهد طلبیده‌اند!

و هیچ کس منکر نیست که او شاهدانی در اوج وثاقت مثل علی، حسنین علیهم‌السلام و ام ایمن که رسول خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله او را بهشتی معرفی کرده بود، به شهادت برده؛ ولی شهود او را به توجیهات دستبرد کرده‌اند!

و هیچ کس منکر نیست که او فدک را به عنوان میراث پدر هم طلب کرده و خلیفه با استناد به سخنی که به پیامبر نسبت داده، او را وارث هم محروم کرده است!

و هیچ کس منکر نیست که او علی علیه‌السلام که پیامبر او را در کنار قرآن ضامن تداوم هدایت و مبین قرآن و سنت و رفع کننده اختلاف امت، معرفی کرده بود، نبی ستم‌دین یا پیامبر چنین سخنی گفته است؟ و اگر گفته معنایش چیست؟  
و...

با توجه به همه این مصیبت‌ها و ظلم‌های انکار ناپذیر، آیا باز هم در مظلومیت زهرا علیها‌السلام و ظالم بودن مخالفانش شک هست؟ آیا باز هم شک دارند که او را با این ضربه‌های هولناک در هم شکستند و آن کوه استوار صبر را متلاشی نمودند و به شهادت رساندند؟

با توجه به این موارد که هر کدام به تنهایی برای متلاشی



کردن کوهی استوار کافی است، آیا باز هم سزاوار است در  
مظلومیت و شهادتش شک کرد؟

ما در این مقال از بررسی همه ظلم‌هایی که بر این  
بانو شد، چشم می‌پوشیم و فقط به بررسی مسئله فدک  
می‌پردازیم تا ببینیم آیا واقعا فدک از جانب پدر به زهرا  
بخشیده شده است؟

و آیا حضرت در آن متصرف بوده؟

و آیا خلیفه! ملک او را گرفته و برای اثبات ملکیت  
مشخص و قطعی، مدرک طلب کرده؟

و آیا نمی‌شاهدان به ناحق رد شدند، مجبور شده آن را  
به عنوان اثبات بطلان؟

و آیا برای این که از این جهت هم نتواند راه به جایی  
ببرد، بر پیامبر سختی بست، و به استناد آن، نص و صریح  
قرآن را کنار زده‌اند؟ و...

و در نهایت هم نگذاشتند او در دعوایش راه به جایی  
ببرد و محکوم و محروم او را بازگردانند اند...

